



انجمن علمی فقه‌پژای تطبیقی ایران



فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

Volume 4, Issue 3, 2024

A Re-Examination of the Blood Money of Women Heads of Households from the Perspective of Quranic Verses

Mohammad Bagher Narimani¹, Alireza Shekarbeigi*², Abbas Pahlavanzadeh³

1. Ph.D Student of Criminal Law and Criminology, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Law, Payame Noor University, Tehran, Iran. (Corresponding Author)

3. Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Law and Political Sciences, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 155-165

Corresponding Author's Info

ORCID: 0009-0001-8657-3149

TELL: +988338391251

Email: Alireza.Shakarbaigi@pnu.ac.ir

Article history:

Received: 16 Dec 2023

Revised: 21 Feb 2024

Accepted: 29 Apr 2024

Published online: 22 Sep 2024

Keywords:

Blood Money, Female-Headed Households, Punishment, Islam, Property.

ABSTRACT

According to the verses of the Holy Qur'an, humans are equal and the criterion of their superiority is piety, not gender and financial conditions, based on this, because in the religion of Islam, the burden of family responsibility and economy is placed on the man, his dowry is more than that of a woman. However, with the passage of time and changing societies, the roles of men and women have been accompanied by changes. In our society, there are women who bear the economic burden of the family alone and are idols in war with every problem. For this reason, since the female heads of the family, in addition to the role of wife and mother, are obliged to fulfill the economic needs of the family, it seems that their dowry should be equal to that of men. The aim of this research will be to re-examine the dowry of female heads of the household with an emphasis on Quranic verses. This research examines the concept and nature of dowry in the law of Iran and Iraq, because the law of dowry is obsolete in Turkey. According to the acceptance of some verses and opinions of eminent authorities, the best view about the nature of dowry is its duality and hybrid theory, which responds to challenges such as the possibility of claiming damages in excess of dowry. Also, if the dowry is sufficient, it will not be possible to demand more than the dowry. In case of damage that exceeds the amount of payment, damages can be claimed by referring to the rules of civil liability. Finally, the position of Iran and Iraq regarding the nature of dowry in Islamic penal laws shows the choice of criminal and punitive nature of dowry.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2024 The Authors.

How to Cite This Article: Narimani, MB; Shekarbeigi, A & Pahlavanzadeh, A (2024). "A Re-Examination of the Blood Money of Women Heads of Households from the Perspective of Quranic Verses". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 4(3): 155-165.



انجمن علمی فقه‌پژای تطبیقی ایران

فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

www.jccj.ir



فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

دوره چهارم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۳

بازپژوهشی دیه زنان سرپرست خانوار از منظر روایات و آیات قرآنی

محمدباقر نریمانی^۱، علیرضا شکرپیگی^{۲*}، عباس پهلوانزاده^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

۲. استادیار، گروه حقوق، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. (نویسنده مسؤل)

۳. استادیار، گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

چکیده

براساس آیات قرآن کریم انسان‌ها برابر و ملاک برتری آن‌ها تقوا است نه جنسیت و شرایط مالی، بر این اساس چون در دین مبین اسلام بار مسؤلیت و اقتصاد خانواده برعهده مرد قرار داده، دیه او بیشتر از زن است، اما در گذر زمان و تغییر جوامع نقش زن و مرد با تغییراتی همراه بوده است. در جامعه ما زنانی وجود دارند که به‌تنهایی بار اقتصادی خانواده را به دوش می‌کشند و به‌تنهایی با هر مشکلی در جنگ و ستیز می‌باشند. از این جهت چون زنان سرپرست خانواده علاوه بر نقش همسری و مادری موظف هستند، نیا‌های اقتصادی خانواده را برآورده سازند، به‌نظر باید دیه آن‌ها برابر مرد باشد. هدف این پژوهش بازپژوهشی دیه زنان سرپرست خانوار با تأکید بر آیات قرآنی خواهد بود. این پژوهش به روش تحلیلی - توصیفی داده‌ها و اطلاعات به‌دست‌آمده در جهت پاسخگویی به سؤالات پژوهش مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد و به بررسی مفهوم و ماهیت دیه در قانون ایران و عراق می‌پردازد، زیرا قانون دیه در ترکیه منسوخ شده است. باتوجه به پذیرش برخی از آیات و نظریات مراجع عظام، بهترین دیدگاه درباره ماهیت دیه، نظریه دوگانگی و ترکیبی آن است که به چالش‌هایی نظیر امکان مطالبه خسارت مازاد بر دیه پاسخ می‌دهد. همچنین در صورتی که دیه کفایت کند، امکان مطالبه بیش از دیه وجود نخواهد داشت. در صورت وقوع خسارت بیش از میزان دیه، با استناد به قواعد مسؤلیت مدنی، می‌توان خسارات را مطالبه کرد. درنهایت، موقعیت ایران و عراق در قبال ماهیت دیه در قوانین مجازات اسلامی، انتخاب ماهیت کیفری و مجازاتی دیه را نشان می‌دهد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۵۵-۱۶۵

اطلاعات نویسنده مسؤل

کد آرکاید: ۳۱۴۹-۸۶۵۷-۰۰۰۹-۰۰۰۹

تلفن: +۹۸۸۳۳۸۳۹۱۲۵۱

ایمیل: Alireza.Shakarbaigi@pnu.ac.ir

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۲۵

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۲/۱۲/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۱۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۷/۰۱

واژگان کلیدی:

دیه مال، زنان سرپرست خانواده، مجازات، اسلام، مال.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

دیه یا خون‌بها مالی است که در عوض آسیب و لطمه‌ای که به شخص وارده شده که یا به خود شخص و یا به وارث او پرداخت می‌شود. این در حالی است که خطایی صورت گرفته باشد. دین اسلام اصل دیات را در دوران جاهلیت مورد پذیرش قرار داده، ولی جزییاتی را هم به آن اضافه نموده است، یعنی دین اسلام به آن یک شکل معقول و منطقی داده است که دلیل مشروعیت نهاد دیه در مرحله اول متکی به قرآن بوده، از نظر فقهای شیعه دیه زن نصف مرد می‌باشد که به آیاتی هم استناد شده است.

باتوجه به این که احکام اسلام بر پایه مصالح و مفاسدی استوار است که در توجیه این نیم‌بودن دیه زن در برابر مرد دلایلی آورده‌اند. از بعد اقتصادی زن و مرد در اسلام از حیث وظایف اقتصادی متفاوت‌اند و علت دیه کامل مرد به این دلیل است مرد سرپرست و نان‌آور خانواده می‌باشد و با فوت پدر خانواده همسر و فرزندان باقی می‌ماند که واجب‌النفقه او می‌باشد. در جامعه ما زنانی وجود دارد که به دلیل متارکه، فوت و یا مهاجرت همسر، بیماری همسر، زندانی‌بودن و نظیر این‌ها سرپرستی خانواده برعهده آنان می‌باشد.

از این منظر که دیه به مسائل مالی توجه دارد و این زنان سرپرست خانواده رکن خانواده می‌باشند و مخارج فرزندان و گاهی همسر و یا شاید والدین برعهده آنان می‌باشد و به‌عنوان مدیر خانواده به‌شمار می‌آیند، این‌چنین زنانی شالوده اصلی خانواده به‌حساب می‌آیند و چون بنیان خانواده در اسلام از اهمیت به‌سزایی برخوردار است، لذا لازم است در قانون ما اصلاحاتی صورت بپذیرد تا بنیان خانواده‌ای که زنان سرپرست آن می‌باشند، دچار مشکل نگردد. دین ما دین شفقت و مهربانی است، دینی که به زن به چشم کالا نمی‌نگرد و همواره احترام و ارزش خاصی برای زن و مقام او در خانواده قائل است.

نویسنده بر این باور است که مصالح و مفاسد در اسلام مبنای قوانین هستند و برای توجیه نیمه‌بودن دیه زنان، دلایلی آورده شده است. نویسنده بر این اعتقاد است که در جامعه اسلامی، زنانی وجود دارند که به دلایل مختلف، مانند متارکه‌بودن

همسر یا بیماری او، مسؤولیت سرپرستی خانواده را برعهده دارند. نویسنده اعتقاد دارد که باید در قانون اصلاحاتی ایجاد شود تا مشکلاتی که ممکن است در این خصوص پیش آید، رفع شود. این دیدگاه نشان می‌دهد که در دین اسلام، ارزش و احترام برای زنان وجود دارد و حقوق آنان باید حفظ شود.

در این پژوهش به دنبال احقاق این حق که حق مسلم زنان سرپرست خانواده است، می‌باشیم. قانون دیه در اسلام، اصلی است که در دوران جاهلیت مورد قبول قرار گرفته و در اسلام با جزییاتی تکمیل شده است.

۱- پیشینه پژوهش

در پژوهش مصدق (۱۴۰۱) تحت عنوان «نظام حقوقی حاکم بر پرداخت، تقسیط یا تجزیه دیه» بیان شده است که «دیه» به‌عنوان وسیله جبران «خسارت» جسمی ممکن است پرداخت‌کننده را با اعسار مواجه سازد، به‌ویژه آنکه جنایات شبه‌عمد و خطای محض که محل پرداخت دیه است، به صورت اتفاقی رخ می‌دهد و غیرمنتظره است. بحث مهلت‌ها برای پرداخت دیه از ابتدای قانون‌گذاری در این حوزه مورد توجه قانون‌گذار بوده و به تبعیت از متون فقهی که تقریباً در این خصوص با اتفاق نظر همراه است، مقنن مهلت‌هایی را برای پرداخت دیه مقرر کرده است.

در پژوهش بهرامی (۱۳۸۰) تحت عنوان «دیه زن از منظر قرآن و فمینیسم»، یکی دیگر از اشکالاتی که بر مقدار دیه زنان شده است، امضایی دانستن دیه و جواز چون و چرا در احکام امضایی است. همچنین در منابع روایی شیعه روایات بسیاری که در حد تواتر و یا دست کم استفاضه است، دیه زنان را در قتل نفس، نصف دیه مردان می‌داند.

در پژوهشی دیگر از باقری و مختاری افرکتی (۱۳۸۵). «بازپژوهی متون قرآنی و روایی در باب دیه زن و مرد»، درخصوص دیه زن در آیات قرآنی و نیز روایات بحث شده است، لذا این پژوهش به دنبال رفع چالش‌های موجود در این خصوص دیه می‌باشد.

مصطفی کافی (۱۳۸۶). در پژوهش «علل تفاوت دیه مرد و زن از دیدگاه اسلام»، معتقد است که از آنجایی که مرد عهده‌دار

درباره این آیه می‌توان گفت که نظریه صاحب تفسیر «المنار» صحیح است، چراکه خداوند متعال در این آیه به اصل تشریح پرداخته و دیه را بیان نموده و لفظ «دیه» مطلق و نکره آمده است و مقدار آن مشخص نیست (آقاجانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۴۹). همچنین نظر برخی از مفسرین بر این امر استوار است که دیه به معنای خون‌بها است، یعنی مالی که از طرف جانی به شخص مورد جنایت واقع شده - اگر عضوی را از دست داده باشد - و یا به وارث او - اگر کشته شده باشد - پرداخت می‌شود. معنای آیه چنین است که هرکس مؤمنی را به صورت خطا به قتل برساند، آزادکردن یک بنده مؤمن و پرداخت خون‌بهایی به خانواده مقتول بر او واجب می‌شود، مگر این که خانواده و قوم مقتول مقدار خون‌بها را به وی صدقه بدهند و او را از پرداخت خون‌بها عفو نمایند که در این صورت پرداخت دیه واجب نمی‌باشد (عباسی، ۱۴۰۲: ۹۹). اعتقاد به این تفسیر از معنای دیه در نوشته سایر مفسرین نیز به چشم می‌خورد (موسوی همدانی، ۱۳۷۴: ۶۱/۵).

باید توجه داشت که این دلیل که مقدار دیه در قرآن تعیین نشده، بلکه بر لفظ «دیه مسلمان» کفایت شده و لفظ دیه به صورت نکره به کار رفته است، می‌توان استنباط نمود که دیه پیش از اسلام، امری مورد پذیرش بوده است، لیکن میزان آن مشخص نبوده است، بلکه براساس آن مقداری که صاحب خون طلب می‌نمود، پرداخت می‌شد و نیز به منزلت مجنون علیه بستگی داشت، به این معنا که هرچه شخصیت مجنی‌علیه بالاتر بود، بالطبع مقدار دیه وی نیز بالاتر می‌رفت، اما برحسب آیه مذکور، گذشت و بخشش دیه از سوی خانواده مقتول امری خدایسندانه و ممدوح است، با این حال لزوم پرداخت دیه نیز نیاز به درخواست خانواده مقتول ندارد.

در دوران جاهلیت، دیه برای پرداخت خون‌بها به کار می‌رفت. به این صورت که خانواده قاتل شترهایی را به نزدیکی محل سکونت خانواده مقتول می‌بردند و زانوی آن‌ها را می‌بستند. زبان‌شناسان از معانی متعددی برای دیه استفاده کرده‌اند، مانند حق‌القتیل و بدل‌النفس که همان معنای خون‌بها را در ضمن خود دارد. برخی معتقدند که عقل در اصل به معنای بازدارنده و مانع است. از نظر گروهی از فقها، عقل معنای دیه

تأمین امرار معاش و اقتصاد و نفقه زن و به عبارتی معاش خانواده است، از این رو اسلام، به جهت حمایت از خانواده به نفع زن و فرزند، دیه مرد را دو برابر زن قرار داده است.

در پژوهشی دیگر از احمدی و رفیعی^۱ (۲۰۱۴). با موضوع «فلسفه تنصیف دیه زن»، فلسفه تنصیف دیه زن و چرای آن بحث شده است و در این پژوهش قائل به برابری دیه زن و مرد براساس آیات و روایات وارده هستند.

۲- مفاهیم پژوهش

۲-۱- معنای دیه در لغت و آیات قرآن کریم

برخی از نویسندگان معتقدند دیه از ریشه «ودی» آمده است و در معنای رد کردن و راندن به کار رفته است (راغب اصفهانی، ۱۳۸۳: ۵۱۸).

از سوی دیگر بر این باورند که دیه بر معنای ای چون جاری شدن چیزی، نابودی و جریان یافتن مایعی به کار می‌رود که این معنا به معنای مد نظر علما بسیار نزدیک است، چراکه علت اصلی برای دیه و خون‌بها، ریختن خون مجنی‌علیه است (این منظور، ۱۴۰۵: ۳۸۳/۵). بنابراین دیه در اصل به معنای ادا کردن است و همچنین آمده است که دیه پول یا مالی است که قاتل یا اقوام او در راستای جبران قتلی که واقع شده است، پرداخت خواهند (معین، ۱۳۷۱: ۱۶۰/۲). لفظ جمعی که برای دیه به کار رفته است، دیات می‌باشد (عمید، ۱۳۷۵: ۶۷۴). از سوی دیگر گروهی نیز معتقدند که دیه همان مالی است که بدل از جان مقتول محسوب می‌شود و به ولی او پرداخت می‌شود (مصدق، ۱۴۰۱: ۱۵۲).

در آیات قرآنی هم لفظ دیه به کار رفته است، نمونه بارز آن آیه ۹۲ از سوره مبارکه نساء می‌باشد که در این آیه شریفه آمده است که: «وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ أَنْ يَقتُلَ مُؤْمِنًا إِلَّا خَطَاً وَمَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَاً فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهَا إِلَّا أَنْ يَصَدَّقُوا فَإِنْ كَانِ مِنْ قَوْمٍ عَدُوًّا لَكُمْ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَإِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ فَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهِ وَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ تَوْبَةً مِنَ اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا».

¹ Amir Ahmadi and Ahmad Reza Rafiei, The Philosophy of Bisection in Woman's Blood Money.

همچنین آمده است که دیه مالی است که به ولی مقتول در ازای نفس مقتول پرداخت می‌شود (عاملی، ۱۹۹۲: ۱۰۵/۱۰). به‌نظر می‌رسد که منظور فقها از جنایت بر نفس، جنایت بر جان آدمی باشد و قتل شخص مد نظر باشد و مراد از «ما دونها» آنچه کمتر از نفس و همان جنایت بر اعضا است.

۲-۳- زنان سرپرست خانوار

بر مبنای تعریف سازمان بهزیستی، زنان سرپرست خانوار به زنانی گفته می‌شود که عهده‌دار تأمین معاش مادی و معنوی خود و اعضای خانوار هستند. مطالعات نشان می‌دهد این گروه زنان به‌طور عمده شامل زنان بیوه و مطلقه، همسران مردان معتاد، همسران مردان زندانی، همسران مردان مهاجر، زنان خودسرپرست و همسران مردان از کارافتاده و معلول هستند و به همین دلیل توجه مضاعف به این قشر از جامعه ضروری است.

به‌عبارت دیگر این لفظ به زنانی گفته می‌شود که به دلایل مختلف مانند فوت همسر، متارکه، طلاق، مریضی و از کارافتادگی همسر و ... مجبور شده‌اند، تمام مسؤولیت‌های خانه را برعهده بگیرند. آن‌ها علاوه بر ایفای نقش مادر، مجبور به کار و کسب درآمد نیز هستند. آن‌ها مجبورند علاوه بر تربیت فرزندان و انجام کارهای خانه، برای تأمین مایحتاج خانه نیز کار کنند.

مسلماً زنان سرپرست خانوار با مشکلات و چالش‌هایی روبه‌رو هستند که دولت موظف است نسبت به آن‌ها چاره‌جویی نماید، لیکن بررسی این مسائل در این مقاله نمی‌گنجد و این مجال تنها به بازپژوهشی دیه این زنان خواهد پرداخت.

از آنجایی که دیه به مسائل مالی توجه دارد و زنان سرپرست خانوار نیز رکن اساسی خانواده می‌باشند و نفقه و مخارج منزل، همسر و فرزندان و چه‌بسا والدین نیز برعهده آن‌ها می‌باشد و به‌عنوان مدیر و کانون خانواده شناخته می‌شوند به‌نظر می‌رسد از دیدگاه اقتصادی جایگاهی مشابه مردان در خانواده‌های عادی را دارا می‌باشند. در صورت فوت این چنین زنانی شالوده زندگی و آینده فرزندان قطعاً با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو خواهد بود.

را دارد، زیرا قاتل باید آن را پرداخت کند. دیه لفظ مفرد از جمع دیات است و از ریشه «ودی» گرفته شده است. بنابراین باتوجه به معانی مختلف مذکور از لفظ دیه، آنچه روشن است این است که دیه از ریشه «ودی» گرفته شده است.

۲-۲- معنای اصطلاحی دیه از نظر فقها

فقها نیز تعاریف مختلفی از دیه ارائه نموده‌اند، هرچند که فقهای متقدم از لفظ دیه تعریف خاصی نداشتند، اما با این حال گروهی از فقهای اعظم از دیه تعریفی را بیان داشته‌اند. به‌عنوان مثال از دیدگاه یکی از فقها دیه از ریشه «ودی» بوده و در معنای رد کردن و راندن است و «ها» نیز به‌جای «واو» در پایان لفظ به‌کار رفته است که در معنای پرداخت خون‌بها استعمال می‌شود و منظور از دیه، مالی است که پرداخت آن برای یک انسان آزاد به‌دلیل ارتکاب جنایت بر نفس انسان دیگر و یا بر اعضای او واجب می‌شود، چه این که مبلغ دیه از سوی شارع مشخص شده باشد و چه این که میزان آن تعیین نشده باشد، اما اگر مقدار آن مشخص گردیده باشد به آن «دیه مقدر» گفته می‌شود و اگر نامشخص باشد نام آن «دیه نامعین» است که در قسمت اخیر اصطلاح ارش و حکومت به‌کار می‌رود (عالی‌پناه، ۱۳۹۹: ۵۷).

گروه دیگری از فقها دیه را مالی می‌دانند که براساس ارتکاب جنایت بر نفس یا بر عضو لازم و واجب می‌گردد و تفاوتی نیست که مقدار آن را شارع مشخص کرده باشد یا نه، لیکن لفظ دیه بر مقداری که شارع مشخص کرده است دلالت دارد و آنچه را که شارع وضع نموده است، تحت عنوان حکومت و ارش خواهد بود (موسوی خمینی، ۱۳۷۹: ۵۵۳/۲).

برخی دیگر از فقها بر این اعتقاد جازم هستند که دیه مالی است که در اثر ارتکاب جنایت بر نفس و عضو و یا حتی ایراد جرح و ... از سوی شارع مقرر گشته است (خویی، ۱۳۹۶: ۸۶/۲). در تعریف دیگری از دیه آمده است که دیه مالی است که بر نفس انسان یا کمتر از نفس (عضو) و یا ایراد جرح ثابت می‌شود و تفاوت نیست در این که مقدر باشد یا نباشد، چه این که مقدار مشخص و مقدر شده دیه نام دارد و در صورتی که مقدر نباشد ارش یا حکومت نامیده می‌شود (مرعشی نجفی، ۱۴۲۱: ۵۸/۲).

۲-۴- دیه در دین اسلام

قبل از ظهور اسلام در جزیره عرب، مردم هیچ دین و حکومت مشترکی نداشتند و هر طایفه و قبیله نظام عرفی و قانونی خود را دنبال می‌کردند، به‌ویژه در زمینه قصاص و پرداخت دیه. با ظهور اسلام، اعراب ناگهان به وحدت و برادری سوق داده نشدند، بلکه این فرآیند به تدریج و با آرامش پیش رفت. حکم اسلام در این زمینه یک حکم امضایی است نه تأسیسی، هرچند که دین اسلام اصل دیات در دوران جاهلیت را مورد پذیرش قرار داده است، ولی جزئیاتی را هم به آن اضافه نموده است و این نظام دیاتی که از دوران جاهلی مورد پذیرش بوده، به واسطه دین اسلام مترقی گشته است؛ دین اسلام به آن یک شکل معقول و منطقی و عادلانه در تمامی ابعاد داده است. اسلام انتقام‌گیری اغلب ناعادلانه و افراط‌گرایانه قبایل عرب از یکدیگر را به قصاص عادلانه هدایت کرده و به گذشتن از قصاص و بخشش سفارش کرده است.

دلیل مشروعیت دیه به‌عنوان یک نهاد حقوقی شرعی در مرحله اول متکی به قرآن کریم می‌باشد. قرآن کریم اصل و دلیل احکام است و فقط یک قاعده کلی را در آن چیزی که راجع به دیه می‌باشد، قانون‌گذاری کرده است و به جزئیات احکام دیه نپرداخته است و این کار به سنت محول شده است، زیرا این سنت است که قواعد کلی قرآن کریم را شرح و بسط می‌دهد و می‌توانیم بگوییم علاوه بر کتاب شریف و سنت و اجماع فقیهان به‌عنوان دلیل مشروعیت دیه به‌شمار می‌آید که مسائل مستحدثه‌ای را به شرح ذیل بیان می‌دارد.

۱- دیه در قرآن: آیه ۹۲ از سوره مبارکه نساء اساس مشروعیت دیه در قرآن می‌باشد.

۲- دیه در سنت: که سنت عبارتست از قول، فعل و یا تقریر معصوم (پیامبر و ائمه).

۳- اجماع و دیه: اجماع، یعنی اتفاق نظر فقها بر یک امر شرعی و در جایی که نصی از قرآن و سنت نباشد، اجماع به میان می‌آید که در اینجا نقش مهمی در بیان احکام دیه دارا می‌باشد و بسیاری از موارد دیه را روشن و آشکار می‌سازد و

جایی برای اجتهاد و قیاس را باقی نمی‌گذارد و تمامی موارد را به‌طور مفصل بیان داشته و هیچ چیزی را فرو نگذاشته است (روزبهانی، ۱۳۹۴: ۲۲-۲۱).

۲-۵- دیه در فقه اسلامی

یکی دیگر از مواردی که خواستار بحث و ارزیابی در مورد آن هستیم، دیه در فقه اسلامی می‌باشد و این سؤال وجود دارد که فقه اسلامی چه دیدگاهی راجع به دیه دارد؟

در میان فرق اسلامی اختلافاتی جزئی راجع به دیه هم وجود دارد، ولی موضوعی که این فرق مذاهب را در بحث دیه در کنار هم نگه داشته است، اینست که این موضوع دیه در همه مذاهب اسلامی مورد پذیرش قرار گرفته است و این از مشترکات مذاهب اسلامی به‌شمار می‌آید.

ابتداً از دیدگاه فقهای امامیه بحث را پی می‌گیریم. اغلب فقهای امامیه تعریف دقیقی از دیه ارائه نکرده‌اند که به احتمال زیاد به این علت است که بحث دیه بحث شفاف و روشنی است. اغلب فقهای امامیه دیه را مالی می‌دانند که به واسطه ضرر و جنایتی که بر انسان وارد شده واجب می‌شود.

این تعریف را اکثر فقهای امامیه هم بیان داشته‌اند. فقهای حنفی هم چیزی شبیه به این آورده‌اند که دیه مالی است که در عوض نفس یا جان پرداخت می‌شود و همان‌طور که در قسمت‌های قبلی گفته شده، ارزش مالی است که در صورت بروز خسارت می‌آید.

به‌صورت صریح و کلی دیه مالی می‌باشد که زمانی که جنایتی بر اعضا وارد شود، خسارت و تلف صورت گیرد و این در حالی می‌باشد که باید خطایی صورت گرفته باشد که در این صورت مسبب آن (فاعل) بازخواست نمی‌شود، خطا از مواردی است که موجب سقوط تکلیف می‌شود، عذر شرعی محسوب می‌گردد. از علل موجهه جرم می‌باشد، به‌واسطه آن عقاب و بازخواست از شخص برداشته می‌شود. شرع مقدس دیه را از این جهت واجب کرد که خون انسان هدر نرود و راهی برای جبران آن وجود داشته باشد.

فقهای مذاهب دیگر از جمله مالکیه تعریف دقیقی از دیه نداشته‌اند. به‌طور کلی باید بگوییم نزدیک‌ترین تعریفی که به

موجود است. به این معنا که هر امر و نهی‌ای و هر دستوری در دین اسلام دارای دلیل و حکمتی می‌باشد. در توجیه نیم بودن دیه زن نسبت به مرد به دلایلی که آورده شده است، اشاره می‌کنیم. اگر اسلام یک دین کاملاً مادی بود که محور مسائل آن امور مالی و اقتصادی در نظر گرفته می‌شد و آنگاه دیه زن نصف دیه مرد بود، این اشکال وارد بود که چرا ارزش زن کمتر از مرد است و چرا قیمت زن را نصف قیمت مرد در نظر گرفته‌اند. حال آنکه در اسلام ارزش انسان‌ها به روح و روان و کمالات معنوی آن‌ها است.

آنچه در اسلام اهمیت دارد و معیار ارزش است، تقوا است. انسان می‌تواند مانند موسی (ع) کلیم‌الله باشد، همان‌گونه که مریم (س) نیز با خداوند ارتباط وحیانی داشت. زن و مرد در پیمودن راه تعالی و سعادت و دستیابی به مقامات معنوی، یکسان هستند و فرقی میان آن دو نیست، لکن مسأله دیه، یک امر اقتصادی است. دیه مربوط به تن انسان‌ها است؛ برای همین است که فرقی بین دیه فرد اول حکومت اسلامی و یک کارگر ساده وجود ندارد (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۴۰۱-۴۰۰).

علاوه بر مورد ذکرشده، از بعد اقتصادی زن و مرد در اسلام از حیث وظایف اقتصادی با یکدیگر متفاوت‌اند. این وظایف بر مبنای توان و قدرت جسمی و روحی زن و مرد تقسیم‌بندی شده‌اند. اصولاً زن از لحاظ بازدهی اقتصادی از مرد ضعیف‌تر است، حتی در عصر حاضر و حتی در جوامعی که بین زن و مرد به ظاهر، اصلاً فرقی قائل نیستند، بازدهی اقتصادی زن و مرد یکسان نیست.

همچنین خلأ ناشی از فقدان یک مرد در خانواده به مراتب بیش از خلأ ناشی از یک زن است. براساس مطالعات فقهی و تاریخی، دیه به‌منظور جبران خساراتی است که از ناحیه مجرم بر شخص قربانی یا خانواده او وارد گردیده و از آنجا که جامعه مطلوب دینی که اسلام در پی تحقق آن است، عمده فعالیت‌های اقتصادی را بر دوش مرد گذاشته و مهم‌ترین وظیفه زن را اداره کانون خانواده قرار داده، طبیعی است که آثاری که بر یک مرد مترتب می‌شود از نظر اقتصادی بر وجود یک زن مترتب نیست، لذا فقدان او از صحنه اجتماع و

تعریف شیعه نزدیک است، چیزی است که شافعی بیان داشته است. در فقه امامیه هم ما همین تعریف را پذیرفته‌ایم (ابراهیمی، ۱۳۸۶: ۸-۷).

۳- ارتباط میان دیه و زنان سرپرست خانواده

در نظام دیه و خون‌بهای اسلامی، زنان به‌عنوان سرپرست خانواده نقش مهمی دارند. اگر زن به هر دلیلی سرپرست خانواده شود و به عهده‌اش مسؤلیت اقتصادی خانواده باشد، او حق دارد برای خود و خانواده‌اش دیه‌ای مطالبه کند. این نشان می‌دهد که در نظام دیه اسلامی، زنان همانند مردان به‌عنوان سرپرست خانواده، با مسؤلیت‌های اقتصادی خود، حقوق مشابهی دارند. بنابراین در صورتی که زن سرپرست خانواده باشد و به او آسیبی وارد شود، می‌تواند دیه متناسب با آسیب وارده را مطالبه کند و این امر نشان از نقش فعال زن در حفظ حقوق خود و خانواده‌اش است. دیه در اسلام به‌عنوان یک امر اقتصادی مورد توجه قرار می‌گیرد که به‌معنای پرداخت مالی به‌جای جبران آسیب و ضرری که به شخص یا وارثان او وارد شده است.

در اسلام، اصل دیه از دوران جاهلیت بهره می‌برد، ولی با اضافه‌کردن جزئیات و شرایط مختلف توسط اسلام، به‌شکلی منطقی و معقول توضیح داده شده است. براساس این اصل، مردان به‌عنوان سرپرست و نان‌آور خانواده مورد نظر قرار گرفته‌اند و بنابراین دیه آن‌ها بیشتر از زنان است. این نکته توسط آیات و احادیث دینی نیز توضیح داده شده است، اما ارزش و اهمیت انسان‌ها در اسلام بر پایه تقوا و کمالات معنوی آن‌ها است و نه جنسیت یا موقعیت اقتصادی. بنابراین در پیمودن راه تعالی و دستیابی به مقامات معنوی، زنان و مردان یکسان هستند، اما مسأله دیه به مسائل اقتصادی مربوط است و به‌دلیل توانایی‌های فیزیکی و روحی متفاوت زنان و مردان، وظایف اقتصادی آن‌ها نیز متفاوت است (عالی پناه، ۱۳۹۹: ۵۷).

زنان به‌عنوان بازدهی اقتصادی از مردان ضعیف‌تر محسوب می‌شوند، حتی در جوامعی که فرقی قائل نیستند. تمامی احکام اسلام برپایه مصالح و مفاسد خاصی استوار است. برای هر حکمی، حکمتی است و در جعل هر قانونی، مصلحتی

خانواده، از نظر اقتصادی خسارت بیشتری را متوجه خانواده می‌کند. بنابراین باید دیه‌ای مناسب وضعیت او پرداخت گردد (مصدق، ۱۴۰۱: ۱۴۵).

علاوه بر آن، نفقه فرزندان نیز برعهده مرد است نه زن، لذا با رفتن مرد و مرگ او تعدادی فرزند واجب‌النّفقه از او باقی می‌ماند که بایستی به‌نحوی این خلأ نیز پر گردد. بنابراین باید قاعدتاً دیه مرد بیش از دیه یک زن باشد و این مطلب ربطی به جوهره زن و مرد ندارد، بلکه به‌لحاظ عوارض خارجی مرگ آن‌ها و اثرات آن در خانواده است (خامنه‌ای، ۱۳۷۵: ۹۸).

باتوجه به مطالب یادشده، می‌توان نتیجه گرفت که مسأله دیه ملاک ارزیابی ارزش مرد و زن نیست که تفاوت آن موجب اعتراض گردد. از طرفی وظایف اقتصادی مرد در خانواده هم به‌نحوی ایجاب می‌کند که تفاوت‌هایی در این‌گونه موارد (دیه) که ارتباط مستقیم با اقتصاد خانواده دارد، مشاهده شود و این عین عدالت است.

۴- دیه زن در روایات

در روایات اسلامی نیز به دیه زن اشاره شده است. برخی از روایات نشان می‌دهند که در مواردی که زنان به‌عنوان سرپرست خانواده عمل می‌کنند و به آن‌ها آسیبی وارد شود، اجازه داده شده است که دیه متناسب با آسیب وارده را مطالبه کنند. این نشان از توجه اسلام به حقوق زنان و تضمین حقوق آنان در مواقع مختلف است. فقهای شیعه بر این باور هستند که دیه زن در قتل، نیم دیه مرد می‌باشد و در این زمینه استناد نموده‌اند به روایاتی که تنی چند از آن‌ها را پی می‌گیریم. در صحیح ابن سنان آمده است که: «محمد بن یعقوب، عن محمد بن یحیی، عن احمد بن محمد و عن علی بن ابراهیم، عن ابیه جمیعاً، عن ابن محبوب، عن عبدالله بن سنان قال: سمعت ابا عبدالله (ع) یقول فی رجل قتل امرأته متعمداً ان شاء اهلها ان یقتلوه قتلوه و یؤدوا الی اهلہ نصف الدیة، وان شاؤوا أخذوا نصف الدیة خمسة آلاف درهم.»

از امام صادق (ع) شنیدم درباره مردی که همسر خود را از روی عمد کشته باشد، می‌فرمود: «بستگان زن، اگر بخواهند می‌توانند مرد را بکشند و نیمی از دیه را به بستگان او بپردازند و اگر

بخواهند می‌توانند نیمی از دیه که پنج‌هزاردرهم است، از او بستانند» (حر عاملی، ۱۴۱۴: ۵۹/۱۹).

در صحیح حلی نیز آمده است که: «محمد بن یعقوب عن علی بن ابراهیم عن ابیه، عن ابن ابی عمیر، عن حماد، عن الحلبي، عن ابی عبدالله (ع): قال: فی الرجل یقتل المرأه متعمداً فأراد اهل المرأه أن یقتلوه. قال: ذاک لهم اذا أدوا الی اهلہ نصف الدیة، وان قبلوا الدیة فلهم نصف دیة الرجل، وان قتل المرأه الرجل، قتلت به لیس لهم الا نفسها.»

امام صادق (ع) درباره مردی که از روی عمد، زنی را بکشد و بستگان زن، آهنگ قصاص او کنند. امام (ع) فرمود: «این حق را دارند در صورتی که نیمی از دیه مرد را به بستگان وی بپردازند و اگر بر آن شدند که دیه را بپذیرند، می‌توانند نیمی از دیه مرد را دریافت دارند و چنانچه زن، مرد را بکشد، در برابر او کشته می‌شود و بستگان مرد، بیش از این حق ندارند» (حر عاملی، ۱۴۱۴: ۷۸/۳).

درواقع براساس روایات می‌توان مرد را در برابر قتل زن، قصاص نفس نمود، ولیکن اولیای زن باید نیمی از دیه کامل را به مقتول بازگردانند.

در آیات قرآنی نیز درخصوص دیه مطالبی بیان شده است که به آن‌ها می‌پردازیم. من جمله در آیه ۹۲ از سوره مبارکه نساء که فرموده است: «وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ أَنْ يَقتُلَ مُؤْمِنًا إِلَّا خَطَاً/ وَمَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَاً فَتَحْرِیرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهَا إِلَّا أَنْ يَصَدَّقُوا/ فَإِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ عَدُوٍّ لَكُمْ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَتَحْرِیرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ/ وَإِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِثَاقٌ فَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهِ وَتَحْرِیرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ/ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامٌ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ تَوْبَةً مِنَ اللَّهِ/ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا»، همان‌گونه که مشاهده می‌شود، این آیه شریفه به اشتراک زنان با مردان در احکام، صراحتاً دلالت بر وجوب پرداخت دیه در قتل غیرعمد زنان دارد.

در آیه شریفه ۱۷۸ سوره مبارکه بقره نیز آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ/ الْحُرُّ بِالْحُرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأَنْثَىٰ بِالْأُنثَىٰ/ فَمَنْ عَفَىٰ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتِّبَاعٌ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدَاءٌ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ/ ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ/ فَمَنْ اعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَلِكَ قَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ»، این آیه شریفه به احکام قتل عمد

پرداخته است و به حکم اشتراک احکام مابین زنان و مردان در مورد دیه پرداخته است.

۵- برابری زن و مرد در آیات قرآن کریم

در آیات مختلف قرآنی در مورد برابری انسان‌ها با یکدیگر صحبت به میان آمده است و ملاک برتری در بین انسان‌ها تنها تقوای آن‌ها شمرده شده است، نه جنسیت و وضعیت مالی و ... در این قسم به بررسی برخی از این آیات شریفه می‌پردازیم.

در نزد پروردگار ذکوریت و انائیت معنا ندارد، انسانیت و حقیقت واحد وجودی آدمی مطرح است، «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً...» ای مردم پروا بگیرید از آن پروردگاری که شما را از «نفس واحد» و در واقع از یک نفس یا تک سلول، یک حقیقت واحد و ... «(نساء/۱) خلق کرده است. بر دیگری برتری ندارید، ملاک برتریتان تقواست، درحقیقت اصل و گوهر ذات واحد دارند.

آیه ذیل به رشد فکری همه انسان‌ها (زنان و مردان) را اشاره می‌کند: «وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ؛ و خدا شما را از شکم مادرانتان درحالی که چیزی نمی‌دانستید، بیرون آورد و برای شما گوش و چشم‌ها و دل‌ها قرار داد، باشد که سپاسگزاری کنید» (نخل/۷۸).

نمونه‌های آیات آفرینشی (منشأ برابری جوهری و عینی زنان و مردان): «... جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا...» ... از خودتان برای شما جفت‌هایی قرار داد... «(شوری/۱۱)». «خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا...» شما را از نفسی واحد آفرید، سپس جفتش را از آن قرار داد» (زمر/۶). «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا...» اوست آن کس که شما را از نفس واحدی آفرید و جفت وی را از آن پدید آورد تا بدان آرام گیرد» (اعراف/۱۸۹) و «وَأَنَّهُ خَلَقَ الزَّوْجَيْنَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَى؛ و هم اوست که دو نوع می‌آفریند: نر و ماده» (نجم/۴۶-۴۵).

آیات مختلف قرآنی بر برابری انسان‌ها با یکدیگر تأکید دارند و ملاک برتری تنها تقوا است، نه جنسیت یا وضعیت مالی و ... این آیات به برخی از مفاهیم اساسی برابری انسان‌ها اشاره دارند. به‌عنوان مثال، آیه «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ...» (نساء/۱) بیان می‌کند که انسان‌ها از یک جوهر واحد خلق شده‌اند و باید به این اصل بپردازیم. آیات دیگری نیز به برابری جنسیتی و ارزش همه انسان‌ها از دیدگاه الهی اشاره دارند. بنابراین اصل برابری انسان‌ها در قرآن با تأکید بر تقوا و ارزش انسانی بیان شده است. همان‌گونه که در آیات قرآنی یاد شد، مرد و زن هر دو از یک جوهر خلق شده‌اند و در اصل خلقت برتری‌ای نسبت به یکدیگر ندارند و تنها ملاک برتری بین انسان‌ها، تقوای آن‌ها می‌باشد.

نتیجه‌گیری

پس از بررسی و مطالعه دقیق ماهیت دیه از دیدگاه حقوق‌دانان و فقهای ایران و عرب، به این نتیجه رسیدیم که بهترین دیدگاه درباره ماهیت دیه، نظریه دو جنبه از آن است. این نظریه به این معناست که دیه دارای دو ابعاد متفاوت است. از یک‌سو، دیه به‌عنوان یک مجازات کیفری عمل می‌کند که به مجرمان و جانیان تحمیل می‌شود. از سوی دیگر، دیه از جنبه مدنی نیز اهمیت دارد و خسارات وارده را جبران می‌نماید. به عبارت دیگر، این نظریه مدعی است که دیه یک نهاد مستقل است که هم در حوزه مجازاتی و هم در حوزه جبران خسارات واقع می‌شود.

در جهان امروزی که زنان پایه‌پای مردان در جامعه فعالیت می‌کنند، گروهی از زنان علاوه بر برعهده‌داشتن مسؤولیت‌هایی چون خانه‌داری و فرزندپروری، مسؤولیت‌های دیگری را نیز برعهده دارند، زانی که به هر دلیل سرپرستی یک خانوار را بر دوش خود حمل می‌نمایند، زانی هستند که علاوه بر اشتغال به فعالیت‌های اقتصادی، خانه‌داری و فرزندپروری، نان آور خانه نیز محسوب می‌شوند و بنا به شرایط موجود در زندگی‌شان، همچون مردان سرپرستی خانواده و فرزندان و چه‌بسا والدین را نیز برعهده دارند.

پس از تحقیق و بررسی درباره ماهیت دیه از نظر حقوق‌دانان و فقهای ایران و عرب، به نتیجه رسیدیم که بهترین دیدگاه،

نظریه دوجانبه بودن ماهیت دیه است. این نظریه می‌گوید که دیه دارای دو جنبه مختلف است: یک جنبه کیفری که مجازات جانی و مجرم را دربر می‌گیرد و یک جنبه مدنی که خسارت وارده بر مجنی‌علیه را جبران می‌کند. پیروان این نظریه به انتقاد از نظریات تک‌بعدی بودن ماهیت دیه پرداختند، زیرا این نظریات به تفریط معرفی شده و مشکلاتی را ایجاد می‌کنند. از طرف دیگر، این نظریه با ادله و قرائن موجود، تأیید می‌کند که دیه هم‌زمان مجازاتی و جبران خسارتی است.

به‌علاوه، علمای حقوق باتوجه به طبیعت دیه به‌عنوان یک مفهوم اعتباری می‌پذیرند که ماهیت آن می‌تواند کیفری، مدنی یا تلفیقی از هر دو باشد. این نظریه، توجیهی منطقی و شامل برای مفهوم دیه ارائه می‌دهد و از تناقضات دیگر نظریات جلوگیری می‌کند. این نظریه بر این اعتقاد است که دیه دو ابعاد یا جنبه مختلف دارد: یک جنبه کیفری که مجازات جانی و مجرم را دربر می‌گیرد و یک جنبه مدنی که خسارت وارده بر مجنی‌علیه را جبران می‌کند. این نظریه به دلیل وجود تناقضات و ابهامات در نظریات تک‌بعدی، بهترین راه حل را در تلفیق این دو جنبه می‌بیند.

باتوجه به طبیعت دیه به‌عنوان یک مفهوم اعتباری، این نظریه می‌پذیرد که ماهیت آن می‌تواند کیفری، مدنی یا تلفیقی از هر دو باشد. این نظریه، توجیه‌ای منطقی برای مفهوم دیه ارائه می‌دهد و از تناقضات دیگر نظریات جلوگیری می‌کند. مسلماً عدالت بر این است که نسبت به اعضای خانواده چنین زنانی، جبران خسارت واقعه به نیکویی انجام شود و چه‌بسا احکام صادره منجر به آسیب‌رسیدن به فرزندان و اعضای خانواده آن‌ها نشود، لذا نیکوست قانون‌گذار کشور، این امر را درخصوص این زنان در نظر بگیرد و نسبت به وضع قوانینی درخور این مسأله اقدام نماید، چه این که از منظر قانونی نیز هر ضرری نیازمند جبران است، لذا در نظر گرفتن ضرر آسیب به چنین زنانی نیز لازم می‌نماید.

ملاحظات اخلاقی: در این پژوهش تمامی ملاحظات اخلاقی رعایت گردیده است.

تعارض منافع: نگارش این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: در این پژوهش، تمامی نویسندگان به یک اندازه عمل کرده‌اند.

تشکر و قدردانی: لازم است از تمام کسانی که در تدوین این مقاله ما را یاری رسانده‌اند، قدردانی نماییم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین مالی انجام گرفته است.

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی و عربی

- قرآن کریم.

- آقاجانی، محمود؛ عاشوری، نادعلی؛ عابدینی، احمد و حیدری، محمدعلی. (۱۳۹۲). نگاه قرآن به دیه و نحوه محاسبه آن در عصر حاضر، *فصلنامه مطالعات قرآنی*، ۵(۱۷). ۴۷-۶۵

- ابن منظور، ابوالفضل جمال الدین محمد بن مکرم الافریقی المصری (۱۴۰۵). لسان العرب، جلد ۹، قم: نشر ادب الحوزه.

- باقری، احمد و مختاری افراکتی، نادر (۱۳۸۵). بازپژوهی متون قرآنی و روایی در باب دیه زن و مرد، *مطالعات حقوق خصوصی (حقوق)*. زمستان ۱۳۸۵، ۷۴: ۶۸-۴۷.

- بهرامی، محمد (۱۳۸۰). «دیه زن از منظر قرآن و فمینیسم». *پژوهش‌های قرآنی*، شماره ۲۵ و ۲۶: ۲۱۲-۲۳۵.

- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶). *زن در آئینه جلال و جمال*. تهران: اسراء.

- حر عاملی (۱۴۱۴). *وسائل الشیعه*. جلد سوم، بیروت: آل‌البیت.

- خامنه‌ای، سیدمحمد (۱۳۷۶). *حقوق زن*. چاپ دوم، علمی فرهنگی.

- خویی، ابوالقاسم (۱۳۹۶). *مبانی تکمله المنهاج*. جلد دوم، نجف: مطبعه الادب.

- راغب اصفهانی (۱۳۸۳). *مفردات الفاظ القرآن*. قم: طلیعه نور.
- روزبهانی، محمود (۱۳۹۴). *دیه مقدر و غیر مقدر*. تهران: انتشارات مجد.
- شفیعی سروستانی، ابراهیم (۱۳۸۰). *تفاوت زن و مرد در دیه و قصاص*. چاپ اول، تهران: سفیر صبح.
- شفیعی سروستانی، ابراهیم، با همکاری رحمان ستایش محمد کاظم و قیاسی، جلال الدین (۱۳۷۶). *قانون دیات و مقتضیات زمان*. چاپ اول، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری.
- صالحی، فاضل (۱۳۷۸). *دیه یا مجازات اسلامی*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- طباطبایی، سیدحسین (۱۳۷۹). *آموزش دین*. تهران: جهان آرا.
- عالی‌پناه، علیرضا (۱۳۹۹). «بررسی تطبیقی دیه و خسارات تنبیهی در فقه امامیه و نظام حقوقی کامن‌لا». *پژوهش‌نامه حقوق اسلامی*، ۹(۱): ۳۷-۶۷.
- عاملی، زین الدین بن علی (شهید ثانی) (۱۹۹۲). *الروضه البهیة فی شرح اللعنه الدمشقیة*. جلد دهم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- عباسی، عاطفه (۱۴۰۲). «نقد و بررسی نابرابری دیه زن و مرد در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران». *پژوهش‌نامه زنان*، ۸(۲۰): ۸۵-۱۰۷.
- عمید، حسن (۱۳۷۵). *فرهنگ فارسی عمید*. تهران: انتشارات امیر کبیر.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۴). *کتاب العین*. جلد چهارم، قم: مؤسسه آل‌البتیت (ع).
- کافی، مصطفی (۱۳۸۶). «علل تفاوت دیه مرد و زن از دیدگاه اسلام». *همایش زن در نظام حقوقی اسلام*، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد آستار.
- مرعشی نجفی، سیدشهاب‌الدین (۱۴۲۱). *منهاج المؤمنین*. جلد دوم، قم: مکتبه آیت الله العظمی المرعشی النجفی.
- مصدق، محمد (۱۴۰۱). «نظام حقوقی حاکم بر پرداخت، تقسیط یا تجزیه دیه». *دورسی*، ۱۵۴: ۳-۸.
- معین، محمد (۱۳۷۱). *فرهنگ معین*. جلد دوم، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۶). «دروس خارج فقه، بحث دیات». *روزنامه فیضیه*، ۱۸: ۱-۲.
- موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۷۹). *تحریرالوسیله*. جلد دوم، قم: نشر دارالعلم.
- موسوی همدانی، سیدمحمدباقر (۱۳۷۴). *ترجمه تفسیر المیزان*. جلد پنجم، قم: بنیاد علمی و فرهنگی علامه طباطبایی.
- نجفی، محمدحسن (۱۳۶۲). *جوهرالکلام*. جلد سوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

ب. منبع انگلیسی

- Ahmadi, A & Rafiei, AR (2014). "The Philosophy of Bisection in Woman's Blood Money". *Advances in Environmental Biology*, 8(24): 595-602.